

واکاوی سیاست‌های دولت چین در تعامل با دیاسپورای فناوری

دفتر آبی (RESEARCH PAPER) شماره چهاردهم

نویسنده: مهدی عساری

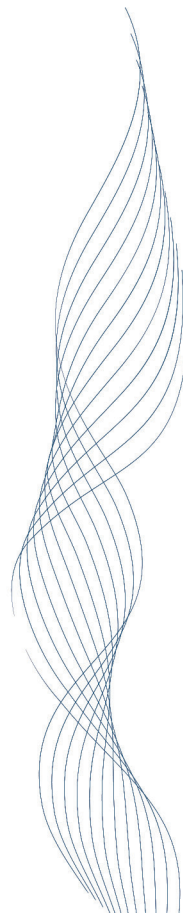
تهیه شده در میز سرمایه انسانی دیجیتال

تمام حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضای مجازی است و استفاده از آن تنها با ذکر منبع مجاز است. همچنین محتوای منتشر یافته در این گزارش بیانگر دیدگاه رسمی مرکز ملی فضای مجازی نیست.

نشانی: تهران، سعادت آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه هجدهم غربی، پلاک ۱۷

تلفن: ۰۲۱-۲۲۰۷۳۰۳۱

کد پستی: ۱۹۹۷۹۸۷۶۲۹



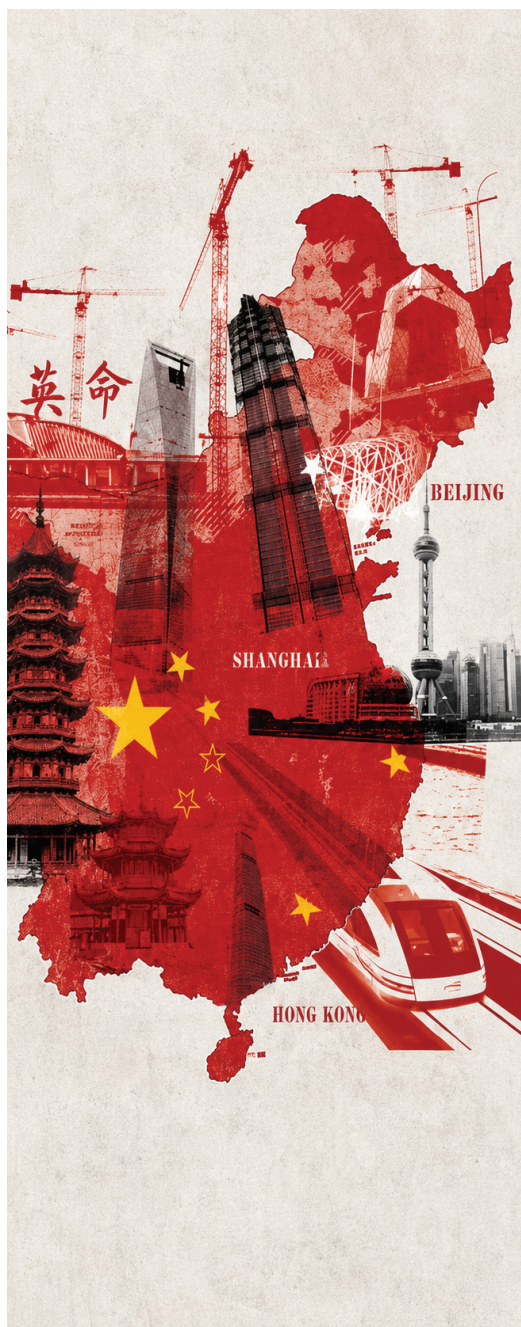
مقالات پژوهشی (Research Paper) از مهم‌ترین ابزارهای توسعه دانش هستند که با تکیه بر داده‌های تجربی به بررسی دقیق و جامع موضوعات تخصصی می‌پردازند. این مقالات معمولاً توسط پژوهشگران، استادان دانشگاه و محققان حرفه‌ای نوشته می‌شوند و به تفصیل از مشاهدات و داده‌های تحقیق بحث می‌کنند. مخاطب این مقالات نیز عمدتاً محققان و کارشناسان آن رشته است. امروزه در مسئله فضای مجازی و سایبری، به طور مرتب مقالات پرشماری توسط محققان و اندیشکده‌ها تولید می‌شود که به بررسی موشکافانه مسائل جاری در این حوزه می‌پردازند. آگاهی از این مطالعات و رصد شرایط و ابعاد مختلف این حوزه از این رهگذر، برای کارشناسان و به خصوص قانون‌گذاران، حکمرانان و متولیان این عرصه ضروری است.

دفترهای آبی دسته‌ای از گزارش‌های تفصیلی تولیدشده در پژوهشگاه فضای مجازی، و محصول رصد مطالعات اندیشکده‌ها و نخبگان جهان و منطقه در این موضوع است.

مقدمه

دیاسپورا به «جوامع دور از وطن» اطلاق می‌شود. اهمیت دیاسپورا به آن است که این گروه می‌توانند به عنوان پل‌های ارتباطی میان فرهنگ‌ها، کاتالیزورهای انتقال فناوری و منابع عظیم سرمایه‌گذاری عمل کنند. درواقع، کشورهایی که موفق به تدوین سیاست‌های هوشمندانه در قبال اتباع خارج از مرزهای خود می‌شوند، قادرند نفوذ نرم و توان اقتصادی خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی گسترش داده و از پتانسیل‌های انسانی خود در مقیاس جهانی بهره‌برداری کنند.

چین در این میان، یک نمونه موفق و پیشرو به شمار می‌رود. دولت چین علی‌رغم داشتن یکی از بزرگترین و پراکنده‌ترین جمعیت‌های مهاجر در سراسر جهان، توانسته است با ظرافت خاصی میان هویت ملی و منافع اقتصادی پیوند برقرار کند. پکن با تبدیل «تهدید مهاجرت» به «فرصت توسعه»، از شبکه گسترده چینی‌تباران برای دور زدن تحریم‌ها، جذب سرمایه خارجی و بومی‌سازی دانش روز دنیا استفاده کرده است. در این دفتر، تلاش شده است تا به‌طور خلاصه ریشه‌های تاریخی و راهبردهای کلان دولت چین در قبال دیاسپورا واکاوی شود و مسیری که این کشور برای همسوسازی اهداف مهاجران با منافع ملی پیموده است، مورد بررسی قرار گیرد.



خلاصه سیاستی به صورت گزاره برگ

۱- یکی از بزرگترین جوامع دیاسپورایی جهان متعلق به کشور چین است. این کشور در تبدیل مهاجرت نخبگان از تهدید به فرصت، تجربه موفق داشته است.

۲- دولت این کشور در گام اول نگاه خود به دیاسپورا را عوض کرد. آن‌ها را به جای جمعیت دور شده و ناهمسو با اهداف ملی به عنوان امتدادی از ظرفیت‌های ملی تلقی کرد و دریافت که دیاسپورا می‌تواند دریچه‌ای به سوی فناوری و علم در مقیاس جهانی و نماینده چین در جامعه جهانی باشد.

۳- دولت چین برای تعامل با دیاسپورانه از نهادهای رسمی و حاکمیتی که از شبکه‌ها، انجمن‌ها، سازمان‌های نیمه دولتی، دانشگاه‌ها، اتاق‌های بازرگانی و مراکز فرهنگی غیردولتی بهره می‌برد.

۴- سیاست دیاسپورایی چین با الگوی توسعه ملی

آن همسو بوده است. تا قبل از سال ۲۰۰۰ که اقتصاد چین نیازمند سرمایه بود، سیاست دیاسپورایی این کشور بر برقراری ارتباط با سرمایه‌گذاران، تجار و شبکه‌های تجاری برون‌مرزی چینی بود. از بعد از ۲۰۰۰ میلادی که اولویت این کشور از تولید کالاهای عادی به کالاهایی با ارزش افزوده بالا و محصولات دانش‌بنیان تغییر کرد، سیاست دیاسپورایی این کشور نیز بر جذب نخبگان فناوری و کارآفرینان و متخصصان علوم کامپیوتر تغییر جهت داد.

۵- کیفیت پایین آموزش، فقر تجهیزات آزمایشگاهی، شکاف بین استادان داخلی و خارجی از جمله دلایلی بودند که موجب گشتند بین سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۶، یک میلیون پژوهشگر و محقق چینی این کشور را ترک کنند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، از هر سه دانشجوی تحصیلات تکمیلی یک نفر کشور را ترک می‌کرد. بدین سان یکی از بزرگ‌ترین جوامع دیاسپورایی متخصص یعنی دیاسپورای چین به وجود آمد.

۶- دولت چین آن هنگام که دریافت توانایی پرداخت دستمزدهای رقابتی و ایجاد رفاه و توسعه کشورهای غربی را ندارد از تلاش برای بازگرداندن نخبگان دست کشید و سیاست به کارگیری دیاسپورا در خدمت منافع ملی بدون بازگشت فیزیکی را در دستور کار قرار داد.

۷- دولت چین برای رسیدگی به مسئله دیاسپورا از مجموعه‌ای نهادهای رسمی و غیررسمی استفاده می‌کند. نهادهای رسمی شامل پنج بازوی زیر است که در ادبیات سیاسی چین به «پنج‌نهاد دیاسپورایی» مشهور اند:

۱| بازوی سیاست‌گذاری کلان: دفتر امور چینی‌های خارج از کشور شورای دولتی

۲| بازوی حزبی و سیاسی: حزب ژوگونگ چین

۳| بازوی قانون‌گذاری: کمیته تخصصی چینی‌های خارج از کشور در کنگره ملی چین

۴| بازوی مشورتی - سیاستی: کمیته چینی‌های خارج از کشور در کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین

۵| بازوی اجتماعی و شبکه‌سازی: فدراسیون چینی‌های بازگشته از خارج

۸- دفتر امور چینی‌های خارج از کشور عالی‌ترین نهاد حاکمیتی چین در موضوع دیاسپورا است. این دفتر سیاست‌های کلان را در سطح حزب و دولت طراحی می‌کند و به تصویب می‌رساند. این دفتر در تمامی مراکز دیپلماتیک چین در خارج از این کشور شعبه دارد و خدمات کنسولی و سیاست‌های تعامل با دیاسپورا را به صورت یکپارچه دنبال می‌کند. مسئولان شعبات مأموران را تا با انجمن‌ها، جوامع محلی چینی‌ها و فعالان اقتصادی و فرهنگی دیاسپورا در تماس مستقیم باشند و به مشکلات و چالش‌های آنان رسیدگی کنند.

۹- یکی دیگر از ابتکارات این دفتر راه‌اندازی و تامین مالی رسانه‌های بین‌المللی است که محتوای اختصاصی برای چینی‌های سراسر جهان تولید می‌کنند تا پیوند فرهنگی و تاریخی دیاسپورا با سرزمین اصلی از بین نرود. این دفتر هم‌چنین برای تربیت نیروهای متخصص در تعامل و ارتباط‌گیری با دیاسپورا سه دانشگاه تاسیس کرده است. ماموریت این دانشگاه‌ها تربیت معلم برای فرزندان چینی‌های خارج از کشور، کارشناسان کنسولی و تسهیل‌گر کسب و کار است.

۱۰- حزب ژوگونگ دومین نهاد است. این نهاد بازوی حزبی برنامه دیاسپورا است. این حزب از احزاب دموکرات است. با اینکه نظام سیاسی چین تک‌حزبی است و در اختیار حزب کمونیست است اما احزاب هشتگانه دموکرات نیز در حکمرانی ذیل حزب کمونیست مشارکت دارند. اعضا این حزب همگی از چینی‌های تحصیل‌کرده و بازگشته از خارج هستند. این حزب در سانفرانسیسکو تولد یافت اما هم‌اکنون در پکن فعال است. مزیت ویژه آن ارتباطات و شبکه گسترده‌ای است در خارج از چین دارد و پلی میان دستگاه حاکم و نخبگان دیاسپورایی است.

۱۱- نهاد سوم کمیته چینی‌های خارج از کشور در کنگره ملی چین است. کنگره ملی نهاد قانون‌گذار و پارلمان این کشور به حساب می‌آید. این کمیته سیاست‌های دفتر امور چینی‌های خارج از کشور را به قانون تبدیل

می‌کنند.

۱۲- نهاد چهارم کمیته چینی‌های خارج از کشور در کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین است. این کنفرانس عالی‌ترین گردهمایی سیاسی و سیاستی در چین به حساب می‌آید که نمایندگان احزاب، فعالان بخش خصوصی، اساتید دانشگاه، سرمایه‌گذاران، نخبگان اجتماعی و سیاسی همگی گرد هم می‌آیند تا درباره مسائل گوناگون به تبادل نظر بپردازند. این کمیته دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و پیشنهادهای مربوط به دیاسپورا را در قالب گزارش‌ها و جمع‌بندی‌های مشورتی به جریان تصمیم‌سازی منتقل می‌کند.

۱۳- آخرین نهاد سازمان مردم‌نهادی است با نام فدراسیون چینی‌های خارج از کشور. این سازمان غیردولتی همان مأموریت‌های دفتر امور چینی‌های خارج از کشور را در قالبی غیر حکومتی دنبال می‌کند. یکی از ابتکارات قابل توجه این سازمان تأسیس موزه‌ای تخصصی درباره چینی‌های خارج از کشور است؛ موزه‌ای که با هدف ثبت تاریخ مهاجرت چینی‌ها، روایت تجربه‌های زیسته آنان و معرفی آثار و دستاوردهایشان شکل گرفته است.

۱۴- از منظر سیاست‌گذار چینی دیاسپورا زیرساخت انسانی اتصال این کشور به زیست‌بوم جهانی نوآوری است. هم‌اکنون چینی‌های بسیاری در مراکز اصلی علم، فناوری پیشرفته، سرمایه‌گذاری، شرکت‌های های‌تک و شبکه‌های تحقیق و توسعه در آمریکا، ژاپن، اروپا و شرق آسیا حضور دارند؛ بنابراین سیاست دیاسپورا در چین عملاً ابزاری برای دسترسی غیرمستقیم به جریان‌های جهانی دانش و فناوری است.

۱۵- سیاست دیاسپورایی چین یک دوگانه است: دعوت به بازگشت و تشویق به مهاجرت. دولت چین آنگاه که نگاه خود را به مهاجرت و دیاسپورا عوض کرد، نه تنها مهاجرت را تهدید ننمود بلکه جوانان را به انجام آن تشویق می‌کند. البته زیرساخت بهره‌برداری از این سرمایه انسانی دور از وطن را هم فراهم کرده است.

۱۶- سیاست دیاسپورایی چین تا سال ۱۹۸۰ بر اقتصادسازی با تکیه بر امکانات مالی و شبکه‌ای دیاسپورا متمرکز بوده است. در این مرحله، دیاسپورا پیش از هر چیز به عنوان پلی برای ورود سرمایه، شبکه‌های تجاری و تجربه کسب و کار دیده می‌شد.

۱۷- از ۱۹۹۰ سیاست دیاسپورایی به مهاجرت دو سویه و مدیریت منعطف رفت و آمد تغییر پیدا کرد. سیاست «دوازده واژه» نشان دهنده همین چرخش است: «حمایت از تحصیل در خارج، تشویق به بازگشت و در عین حال حفظ آزادی رفت و آمد».

۱۸- دهه نود میلادی سرآغاز پذیرش این واقعیت بود که مشارکت در توسعه چین می‌تواند از بیرون مرزها نیز صورت گیرد؛ از طریق انتقال دانش، شبکه، پروژه و سرمایه، بدون لزوم بازگشت فیزیکی.

۱۹- چینی‌ها در این دوره از دو استعاره جالب برای اشاره به تفاوت مدل جدید با مدل قدیمی استفاده می‌کردند. آن‌ها مهاجران را به دو دسته تقسیم کردند: لاک پشت‌های دریایی و مرغان دریایی. لاک پشت دریایی که برای تخم‌گذاری به ساحل زادگاهش باز می‌گردد استعاره‌ای است از مهاجرانی که به خارج از کشور رفته و پس از تحصیل و کسب تجربه، به وطن بازگشته‌اند؛ مرغان دریایی اما مهاجرانی هستند که آزادانه میان ساحل‌ها حرکت می‌کنند و این استعاره‌ای است از مهاجرانی که بین چین و سایر کشورها در رفت و آمد دارند.

۲۰- از سال ۲۰۰۰ میلادی سیاست اقتصادی چین بر تولید کالا با ارزش افزوده بالا و ورود به زنجیره‌های ارزش جهانی بود. لازمه این امر در اختیار داشتن فناوری‌های پیشرفته بود. در این چارچوب، پارک‌های صنعتی های‌تک، زیرساخت‌های STEM و مراکز R&D ایجاد شدند تا نسل جدید دیاسپورا- به‌ویژه کسانی که در آمریکا، ژاپن و دیگر کشورهای پیشرفته در محیط‌های علمی و فناوریانه فعال بودند- به همکاری با داخل

ترغیب شوند. در این دوره دیاسپورای فناوری به کانون سیاست‌های دیاسپورایی چین بدل شد.

۲۱- یکی از سیاست‌های مهم چین در مسئله بهره‌برداری از دیاسپورا جذب متعادل سرمایه، نیروی انسانی و فناوری به موازات یکدیگر بوده است. به این سه گانه در ادبیات سیاستی چین «سه واردات» گفته می‌شود و به آن معناست که جذب نیروی انسانی بدون واردات فناوری و سرمایه، نتیجه بخش نخواهد بود.

۲۲- سیاست دیگر استخدام انعطاف‌پذیر است. به منظور جذب حداکثری نخبگان فناوری، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی چین محدودیت‌های استخدام تمام‌وقت را کنار گذاشتند و امکان همکاری قراردادی، پروژه‌ای و مشاوره‌ای و پاره‌وقت را برای نخبگانی که مایل به ترک موقعیت اصلی خود در خارج از کشور نبودند، فراهم ساختند.

۲۳- دیگر سیاست شرکت‌های بزرگ فناوری چینی، خرید استارت‌آپ‌های کوچک و استراتژیک در سطح جهان و به کارگیری متخصصان فناوری چینی تبار در آن‌ها است. نمونه بارز آن شرکت سوئدی *silex microsystems* است که توسط پارک فناوری پکن خریداری شده و متخصصان چینی تبار ساکن سوئد در آن به کار گرفته شدند.

۲۴- ابتکار دیگر ایجاد صندوق‌های هدایت دولتی است. صندوق‌های هدایت دولتی برخلاف صندوق‌های VC سرمایه‌سبور به حساب می‌آیند و تسهیلات آن‌ها ترکیبی از منابع دولتی و خصوصی است. دولت چین تاکنون ۶۷۰ میلیارد دلار در این صندوق‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. این رقم تا پایان ۲۰۳۰ به ۱۵۰۰ میلیارد دلار می‌رسد.

۲۵- یک ابتکار بسیار مهم تأسیس مراکز تحقیق و توسعه برون‌مرزی بود. شرکت‌هایی چینی به جای آنکه

نخبگان را بازگردانند، واحدهای تحقیق و توسعه خود را به مقاصد مهاجرتی نخبگان چینی بردند. برای مثال هم‌اکنون واحد تحقیق و توسعه هواوی در شهر مونیخ مستقر است. آزمایشگاه هوش مصنوعی شرکت بایدو مستقر در سیلیکون ولی و مراکز تحقیقاتی شرکت علی بابا در کالیفرنیا، تل‌آویو، سنگاپور و مسکو همگی در چارچوب این برنامه ایجاد شده‌اند.

۲۶- طرح «هزار استعداد» یک نمونه از برنامه‌های شاخص جذب مهاجران متخصص است. این برنامه با هدف میان‌برزیدن دهه‌ها تحقیق و توسعه در تکنولوژی‌های حساس شکل گرفت و با ارائه بسته‌های تشویقی شامل پاداش ۱۵۰ هزار دلاری، بودجه‌های تحقیقاتی چندمیلیون دلاری و احداث آزمایشگاه‌های مشابه با آزمایشگاه‌های غربی، بر شکار مغزهای مستقر در لبه‌های تکنولوژی متمرکز بود.

۲۷- مدل قراردادهای پاره‌وقت، نوآوری کلیدی این طرح بود؛ این مدل به پژوهشگران اجازه می‌داد بدون نیاز به استعفا از دانشگاه‌های تراز اول آمریکا و اروپا، مالکیت فکری و دانش انباشته را از طریق همکاری‌های پروژه‌ای به شرکت‌های چینی منتقل کنند که منجر به افزایش ۱۴۴ درصدی نرخ مقالات برای این نخبگان شد.

۲۸- واکنش امنیتی ایالات متحده پس از شناسایی نشت فناوری‌های حساس، منجر به آغاز «ابتکار چین» در سال ۲۰۱۸ شد؛ این برخوردها شامل اخراج صدها پژوهشگر و محکومیت چهره‌های شاخصی مانند چارلز لیبر به دلیل پنهان‌کاری در دریافت حقوق و بودجه‌های کلان از دانشگاه‌های چین بود.

۲۹- پس از توقف رسمی و پاک‌سازی وب‌سایت‌های دولتی چین از اسناد طرح، استراتژی به مدل «غیرمتمرکز و استتار شده» تغییر یافت؛ اکنون جذب نخبگان تحت برنامه‌هایی مانند «سپیده‌دم» و از طریق هدانترها و هاب‌های پژوهشی اقماری در کشورهای ثالث، به صورت چراغ خاموش و خارج از ادارهای نظارتی غرب ادامه دارد.



یک | معرفی الگوی کلان مواجهه با دیاسپورا در چین

اگر تجربه چین را در قالب یک الگوی سیاستی صورت‌بندی کنیم، این الگو بر سه پایه استوار است:

۱- دگرگونی در تصور سیاستی از دیاسپورا

تحول سیاست دیاسپورایی چین پیش از آنکه نهادی باشد، تحول در سطح ذهنیت حکمرانی است. در بسیاری از نظام‌های سیاسی، دیاسپورا به عنوان جمعیتی دور شده یا سرمایه انسانی از دست رفته، یا حتی منبع ناهم‌سویی سیاسی فهم می‌شود. دولت چین در اولین گام، از چارچوب این

نگاه خارج شد. در نگاه جدید، دیاسپورانه به عنوان سرمایه انسانی از دست رفته، بلکه به عنوان ذخیره‌ای از پیوندها، دانش، سرمایه اجتماعی و دسترسی به زیست‌بوم‌های پیشرفته جهانی تعریف می‌شود. در این برداشت، مهاجران نه یک شبکه پایان یافته و از کشور جدا شده، بلکه امتداد فراجغرافیایی ظرفیت ملی‌اند؛ حلقه‌هایی واسط که امکان اتصال ساختارهای داخلی به شبکه‌های علمی، فناوریانه، مالی و حرفه‌ای جهان را فراهم می‌کنند. این تغییر نگرش باعث شد نگاه به دیاسپورا از یک رویکرد صرفاً مدیریتی و احتیاط‌آمیز فاصله بگیرد و به حوزه‌ای توسعه محور و راهبردی وارد شود؛ حوزه‌ای که در آن، ارتباط با بیرون، نه نشانه فاصله گرفتن از چارچوب‌ها و سیاست‌های کلی کشور، بلکه بخشی از روند تقویت ظرفیت‌های درونی کشور تلقی می‌شود.

۲- استفاده از حکمرانی شبکه‌ای؛ پیوند نهاد دولت با سازمان‌ها و نهادهای فرامرزی ویژگی متمایز مدل چین صرفاً گسترده‌نگری نهادهای دولتی نیست، بلکه نحوه پیوند دادن آن‌ها با شبکه‌ای از سازمان‌ها، انجمن‌ها و نهادهای واسط است. در این مدل دانشگاه‌های وابسته، رسانه‌های ویژه دیاسپورا، انجمن‌های حرفه‌ای، اتاق‌های بازرگانی، سازمان‌های نیمه دولتی و حتی اندیشکده‌ها، در کنار سازوکارهای رسمی عمل می‌کنند.

سیاست دیاسپورا در چین از چارچوب‌های محدود اداری عبور کرده و در قالب یک سازوکار حکمرانی شبکه‌ای شکل گرفته است. در داخل، این منطق در مجموعه «پنج ساختار امور چینی‌های خارج از کشور» متبلور است که در سطوح مختلف حکمرانی امتداد دارند و پیوند میان سیاست‌های ملی و ظرفیت‌های محلی را سازمان می‌دهند. در خارج از مرزها نیز همین منطق ادامه می‌یابد، با این تفاوت که تعاملات عمدتاً از طریق سازمان‌ها، نهادهای واسط و شبکه‌های دیاسپورایی پیش می‌رود، نه از مسیر حضور مستقیم دولت. بدین ترتیب، میدان فعالیت و حضور دیاسپورا به فضایی نهادمند برای تعامل مستمر بدل می‌شود که در آن نقش دولت بیش از آنکه بر کنترل مستقیم استوار باشد، بر هدایت و تنظیم روابط میان بازیگران متکی است.

۳- هم‌راستایی سیاست دیاسپورایی با تحول الگوی توسعه ملی
سیاست دیاسپورایی چین همواره در امتداد اولویت‌های کلان توسعه کشور بازتنظیم شده است. در دوره‌ای

که مسئله اصلی، تقویت بنیان‌های اقتصاد و جذب سرمایه برای جهش تولید بود، پیوند با دیاسپورا نیز عمدتاً در خدمت همین هدف تعریف می‌شد؛ تمرکز بر سرمایه‌گذاران، تجار و شبکه‌های تجاری برون‌مرزی بود و مناطق ویژه اقتصادی در مناطق مهاجر فرست، این اتصال را تسهیل می‌کردند.

با تغییر جهت‌گیری اقتصاد چین از تولیدات کم‌ارزش به تولیدات با ارزش افزوده بالا و صنایع دانش بنیان، منطق سیاست دیاسپورا نیز دگرگون شده است. کانون توجه اکنون بر جذب نیروی انسانی نخبه، کارآفرینان فناوری و شبکه‌های تخصصی جهانی قرار دارد؛ افرادی که ظرفیت خلق ارزش اقتصادی در سطوح پیشرفته را دارند. در این چارچوب، دیاسپورا نه صرفاً به عنوان منبع سرمایه، بلکه به مثابه یکی از مسیرهای اتصال ساختار داخلی به زیست‌بوم نوآوری جهانی فهم می‌شود. طرح‌های جذب استعداد، پارک‌های فناوری، سازوکارهای همکاری علمی و تسهیل‌های حرفه‌ای و اقامتی، ابزارهایی‌اند که این پیوند را از سطح شعار به سطح نهاد تبدیل می‌کنند.



دو | دیاسپورای چین چگونه تشکیل شد؟

در نیم قرن گذشته، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مهاجرت نخبگان که ابتدایک تصمیم شخصی بود به یک چالش ملی تبدیل شد؛ زخمی که مستقیماً توان علمی و ظرفیت توسعه این جوامع را تحت تأثیر قرار می داد. این پدیده منحصر به یک جغرافیا نبود و از شرق آسیا تا آمریکای لاتین گسترش یافت؛ حتی کشورهایی مانند تایوان و کره جنوبی که از نظام آموزشی پیشرفته تری برخوردار بودند نیز از این قاعده مستثنی نماندند.

در چین، این بحران ابعاد نگران کننده تری پیدا کرد. بین سال های ۱۹۷۸ تا ۲۰۰۶، حدود یک میلیون متخصص و پژوهشگر کشور را ترک کردند. فراتر از

جذابیت‌های مقصد، این «تمایل گسترده به مهاجرت» ریشه در چالش‌های درونی داشت؛ از کیفیت پایین آموزش و فقر تجهیزات آزمایشگاهی گرفته تا شکاف عمیق میان دانش استادان داخلی و استانداردهای جهانی. در آن سال‌ها، برای افرادی که در پی ساخت آینده‌ای حرفه‌ای و تراز اول بودند، عملاً گزینه‌ای جز خروج از کشور باقی نمی‌ماند. در نتیجه، در اواخر دهه ۱۹۹۰، از هر سه دانشجوی تحصیلات تکمیلی یک نفر کشور را ترک می‌کرد و در دانشگاه‌های تراز اول، نیمی از فارغ‌التحصیلان در اندیشه مهاجرت بودند.

با این حال، پیامد اصلی این مهاجرت صرفاً کاهش تعداد نیروی انسانی نبود، بلکه مسئله «زمان‌بندی» اهمیت بیشتری داشت. داده‌های علمی نشان می‌داد که دقیقاً در سال‌هایی که چین برای جهش علمی و فناوریانه به نیروی متخصص نیاز داشت، با شکاف قابل توجهی در تولید علم مواجه شده است. پژوهشگرانی که در اوج بهره‌وری و توان فکری خود قرار داشتند، در داخل کشور حضور نداشتند؛ نه به دلیل کاهش توان علمی، بلکه به این سبب که «مرحله طلایی اثرگذاری» خود را در مراکز پژوهشی خارج از کشور سپری می‌کردند. این وضعیت بدین معنا بود که چین در مقطعی که انتظار بهره‌برداری از سرمایه انسانی خود را داشت، نتایج آن را در محیط‌های علمی سایر کشورها مشاهده می‌کرد.

در چنین شرایطی، سیاست‌گذاران با یک دوگانگی دشوار مواجه شدند. بازگرداندن فیزیکی و دائمی تمامی نخبگان هدفی مطلوب اما در کوتاه‌مدت دست‌نیافتنی بود. چین نه توانایی ارائه دستمزدهای رقابتی دلاری را داشت و نه می‌توانست به سرعت سطح رفاه و ثبات کشورهای غربی را فراهم کند. بنابراین، اصرار بر بازگشت اجباری نتیجه‌ای جز ناکامی در پی نداشت. در همین مقطع، چرخشی راهبردی در سیاست‌گذاری شکل گرفت: «گزینه دیاسپورا».

فلسفه این سیاست جدید بر این مبنا استوار بود که در صورت عدم امکان بازگشت فیزیکی نخبگان، می‌توان جریان دانش و تجربه آنان را به کشور متصل ساخت. به جای مقابله با واقعیت مهاجرت، رویکرد مدیریت و بهره‌برداری از آن در پیش گرفته شد. از این پس، بازگشت دائمی تنها معیار ارزیابی محسوب نمی‌شد؛ بلکه انتقال فناوری، همکاری‌های پژوهشی برون مرزی، دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت و پیوند دادن سرمایه‌های مهاجران به پروژه‌های داخلی در اولویت قرار گرفت. در نتیجه، نخبگان مهاجر نه به عنوان

سرمایه‌های ازدست‌رفته، بلکه به‌عنوان سفیران علمی و شبکه‌هایی برای پیشرفت ملی تلقی شدند. این رویکرد واقع‌گرایانه زمینه را برای تدوین اسناد و برنامه‌های اجرایی فراهم کرد که چین را در مسیر تحولات کنونی آن قرار داد.



سه انگاشت نهادی سیاست‌گذاری دیاسپورا

به منظور تحقق بخشیدن به سیاست «گزینه دیاسپورا»، ساختارها و نهادهای گوناگونی در چین شروع به فعالیت کردند. در ادبیات پژوهشی پنج نهاد اصلی زیر به عنوان «پنج ساختار امور چینی‌های خارج از کشور» معروف اند:

- ۱- بازوی سیاست‌گذاری کلان: دفتر امور چینی‌های خارج از کشور شورای دولتی
- ۲- بازوی حزبی و سیاسی: حزب ژو گونگ چین^۱
- ۳- بازوی قانون‌گذاری: کمیته تخصصی چینی‌های خارج از کشور در کنگره ملی چین
- ۴- بازوی مشورتی - سیاستی: کمیته چینی‌های خارج از کشور در کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین

۱. China Zhi Gong Party

۵- بازوی اجتماعی و شبکه سازی: فدراسیون چینی های بازگشته از خارج در ادامه به صورت مختصر به معرفی این نهادها و شرح فعالیت هایشان می پردازیم. پس از معرفی پنج ساختار رسمی یک از انجمن های مطرح را نیز معرفی می کنیم.

۱- دفتر امور چینی های خارج از کشور شورای دولتی^۲ (OCAO)

دفتر امور چینی های خارج از کشور، کانون اداری سیاست دیاسپورای چین است. این دفتر که در ۱۹۷۸ دوباره فعال شد، در عمل حلقه اتصال دولت مرکزی با شبکه های دیاسپورایی در داخل و خارج از کشور است و بیش از هر نهاد دیگری، منطق حکمرانی شبکه ای فراملی را مجسم می کند.

این دفتر زیر نظر شورای دولتی فعالیت می کند و در کنار دیگر اجزای سازوکار «پنج ساختار امور چینی های خارج از کشور»، ستون اداری این حوزه را می سازد. شبکه دفاتر آن از مرکز تا استان ها، شهرها و به ویژه مناطق مهاجر فرست امتداد دارد. حتی در برخی استان ها مانند گوانگ دونگ و فوجیان^۳ این دفتر با دفتر رسمی وزارت امور خارجه ادغام شده و به صورت «دفتر امور خارجه و امور چینی های خارج از کشور» درآمد که تمرکز دستگاه سیاست خارجی چین بر توسعه روابط با شبکه دیاسپورا را نشان می دهد. این پدیده هم چنین نشان می دهد ساختار بروکراتیک چین به رغم گستردگی از انعطاف و چابکی لازم برای تسریع در اداره امور برخوردار است.

در سطح سازمانی، این دفتر دارای ادارات تخصصی در حوزه های سیاست و مقررات، امور داخلی و خارجی، اقتصاد و فناوری، فرهنگ و تبلیغات، و امور پرسنلی است.

کارکردهای اصلی

کارویژه های این دفتر ملی را می توان در ۴ محور زیر دسته بندی کرد:

الف | هماهنگی و نظارت سیاستی: تدوین سیاست های مرتبط با چینی های خارج از

کشور در سطح دولت و حزب و نظارت بر اجرای آن ها.

۲. Overseas Chinese Affairs Office of the State Council

۳. دو شهر بزرگ، اقتصادی و مهاجرت فرست و از مراکز مهم صادراتی در چین

ب | حمایت از حقوق و منافع اتباع خارج از کشور: رسیدگی به وضعیت چینی‌های خارج، بازگشتگان و خانواده‌های آنان، و پیگیری مسائل اداری و حقوقی مرتبط.

ج | پیوند اقتصادی و فناورانه: تسهیل و جذب سرمایه، فناوری و به‌ویژه در دوره اخیر استعداد‌های علمی و کارآفرینان‌های تک.

د | دیپلماسی فرهنگی و زبانی: ترویج آموزش زبان چینی، تبادلات فرهنگی و تولید محتوا برای تقویت پیوندهای هویتی و ارتباطی با دیاسپورا.

بازوهای اجرایی و شبکه‌های وابسته

نفوذ و ابتکار عمل این دفتر را نمی‌توان صرفاً در ساختار اداری آن دید؛ قدرت واقعی این نهاد در شبکه‌ای از بازوهای تخصصی، آموزشی، رسانه‌ای و میدانی است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱ رسانه‌های بین‌المللی

خبرگزاری چین^۴ یک خبرگزاری دولتی چین است که بخش مهمی از تولید خبر و محتوای مرتبط با چینی‌های خارج از کشور را بر عهده دارد و مخاطبان آن شامل دیاسپورا و جوامع چینی‌زبان خارج از سرزمین اصلی است. «صدای چین» نیز یک مجموعه رسانه‌ای برون مرزی دیجیتال است که اطلاعات و محتوای خبری و فرهنگی مرتبط با چین را برای مخاطبان خارج از کشور منتشر می‌کند و به تعبیر سردبیر آن، خانه آنلاین چینی‌ها در سراسر جهان است.

این دورسane مهم هر دو متعلق به دفتر امور چینی‌های خارج از کشور هستند و ذیل آن فعالیت می‌کنند.

۲ | دانشگاه‌های تخصصی در حوزه دیپلماسی نخبگانی

دانشگاه جینان، دانشگاه هواچیاو و آکادمی زبان و فرهنگ پکن سه دانشگاه مهم و متعلق به این دفتر هستند. این مراکز فقط محل تحصیل دانشجویان چینی خارج از کشور نیستند؛ آن‌ها فضاهایی اند که در آن

۴. Zhongguo Xinwenshe

نسل‌های دیاسپورایی با ساختارهای علمی، اداری و فرهنگی چین در تماس مستقیم قرار می‌گیرند. این مراکز علمی به آموزش کادرهای فعال در حوزه امور دیاسپورا، تولید محتوای آموزشی، اعزام معلم و اجرای برنامه‌های فرهنگی می‌پردازند.

۳ | کمیته مشورتی متخصصان خارج از کشور

این کمیته در سال ۲۰۰۵ و ذیل دفتر امور چینی‌های خارج از کشور تشکیل شد و در آغاز ۳ عضو داشت؛ اعضای شامل دانشمندان، پژوهشگران و کارآفرینان برجسته از ۹ کشور، از جمله آمریکا و آلمان. از طریق این سازوکار، چینی‌های خارج از کشور که از جایگاه و اثرگذاری اجتماعی بالایی برخوردارند، دعوت می‌شوند تا پیشنهادهای سیاستی ارائه کنند و درباره سیاست‌های مرتبط با دیاسپورا بازخورد بدهند. به عنوان مثال سومین دوره از این کمیته ۷۲ عضو داشت که در رشته‌هایی مانند فیزیک، شیمی، ریاضیات، زیست‌شناسی، اقتصاد، حقوق و علوم کاربردی فعالیت می‌کردند. یکی از اعضا برنده نوبل فیزیک بود، اعضای دیگر این کمیته نیز همگی چهره‌های اثرگذار بودند.

۴ | بازوی میدانی در خارج؛ اتصال مستقیم با جوامع دیاسپورایی

این دفتر در همه نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی چین در سراسر جهان از جمله سفارتخانه‌ها، شعبه دارد. مسئولان شعبات مأموران را با انجامن‌ها، جوامع محلی چینی‌ها و فعالان اقتصادی و فرهنگی دیاسپورا در تماس مستقیم باشند، در رویدادها حضور به هم رسانند و اطلاعات و بازخوردها را به داخل منتقل می‌کنند.

این سطح از حضور، به OCAO امکان می‌دهد تصویر دقیقی از تحولات درون جوامع چینی خارج داشته باشد و سیاست‌ها را متناسب با واقعیت‌های میدانی تنظیم کند. به بیان دیگر، این سازوکار پلی است میان شبکه‌های اجتماعی دیاسپورا و مرکز سیاست‌گذاری.

۲- حزب ژئی گونگ چین^۵

یکی از احزاب ملی چین است که اعضا آن همگی از مهاجران متخصص، چینی‌های خارج از کشور و چینی‌های بازگشته به کشور اند. این حزب در سال ۱۹۲۵ و در سائفرانسیسکو تشکیل شد و هم‌اکنون ذیل «نظام همکاری چند حزبی و مشورت سیاسی تحت رهبری حزب کمونیست چین» فعالیت می‌کند.

این حزب به صورت تخصصی روی ارتباطات برون مرزی کار می‌کند و مزیت اصلی اش، شبکه‌های گسترده در میان چینی‌های بازگشته و پیوندهای برون مرزی است، به همین دلیل در بسیاری از موارد نقش واسطه در ارتباط با بازیگران دولتی و غیردولتی خارجی را دارد.

این حزب هم‌چنین نماد همکاری سیاسی در سطح ملی است. با اینکه این حزب از احزاب دموکرات است و یک حزب کمونیست به حساب نمی‌آید، اما به دلیل تفاهم سیاسی معقولی که بین حزب کمونیست و احزاب هشتگانه دموکرات برقرار است، از ظرفیت این حزب و اعضا آن حداکثر بهره‌برداری صورت می‌گیرد. نکته قابل ذکر دیگر آن که این حزب یکی از نمادهای راه‌یابی نخبگان غیر کمونیست به نظام سیاسی چین است. آقای وان گانگ که یکی از اعضا ارشد و برجسته این حزب است از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ وزیر علوم و فناوری چین بوده است. او که هم‌اکنون ریاست کمیته مرکزی این حزب را بر عهده دارد، دارای دکتری مهندسی مکانیک از آلمان بوده و پس از فارغ‌التحصیلی، ده سال به عنوان مهندس ارشد و مدیر فنی در شرکت آئودی در آلمان کار کرد، سپس به چین بازگشت و در نهایت رئیس دانشگاه تونگ‌جی شد.

۳- کمیته تخصصی چینی‌های خارج از کشور در کنگره ملی چین

کمیته امور چینی‌های خارج از کشور در کنگره ملی خلق چین نهادی است که موضوع دیاسپورا را وارد فرایند رسمی قانون‌گذاری می‌کند. این کمیته یکی از کمیته‌های تخصصی پارلمان است و وظیفه اش بررسی پیشنهاد های قانونی، اظهار نظر درباره لوایح مرتبط با چینی‌های مقیم خارج، بازگشتگان و خانواده‌های آنان، و ارائه گزارش‌های تخصصی در این حوزه است. به بیان روشن، این کمیته برای سیاست‌های ابلاغی OCAO، چارچوب قانونی تهیه می‌کند. حضور این کمیته باعث می‌شود مسائل مربوط به دیاسپورا تنها در سطح برنامه‌های اداری باقی نماند، بلکه پشتوانه حقوقی و مسیر رسمی در نظام قانون‌گذاری پیدا کند. قانون «حمایت از حقوق و منافع بازگشتگان از خارج و خانواده‌های وابسته» توسط همین کمیته تهیه و در

کنگره چین به تصویب رسید

۴- کمیته امور چینی‌های خارج از کشور در CPPCC

کمیته «امور چینی‌های خارج از کشور» یکی از کمیته‌های تخصصی کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین است؛ نهادی که در ساختار سیاسی چین نقش مشورتی دارد و هر سال هم‌زمان با برگزاری نشست‌های سراسری در کشور، به بررسی مسائل ملی می‌پردازد. اهمیت این کمیته از جایگاهی می‌آید که در آن فعالیت می‌کند یعنی: CPPCC «کنفرانس مشورتی سیاسی خلق چین» گردهم‌آیی نمایندگان احزاب، گروه‌های اجتماعی، نخبگان دانشگاهی و اقتصادی و نیز طیف‌هایی است که به‌نوعی با خارج از چین پیوند دارند. در چنین بستری، این کمیته به موضوعات مرتبط با دیاسپورا و مناطق پیوند خورده با خارج می‌پردازد و دیدگاه‌ها، تجربه‌ها و پیشنهادهای این حوزه را در قالب گزارش‌ها و جمع‌بندی‌های مشورتی به جریان تصمیم‌سازی منتقل می‌کند. این کمیته، کمیته‌ای برای قانون‌گذاری یا اجرانیست، بلکه متکفل صورت‌بندی مسئله و تبدیل دغدغه‌های پراکنده به پیشنهادهای قابل طرح در سطح ملی است.

کارکرد این کمیته در قبال دیاسپورا بیشتر در جهت‌دهی و سازمان‌دهی نقش آنان دیده می‌شود. از طریق نشست‌ها، تحقیقات میدانی و گفت‌وگو با انجمن‌ها و شخصیت‌های چینی مقیم خارج، زمینه‌ای فراهم می‌شود تا دیاسپورا در برنامه‌های توسعه‌ای، همکاری‌های اقتصادی و پیوندهای علمی و اجتماعی سهمی فعال داشته باشد. در سال‌های اخیر بر مشارکت چینی‌های خارج از کشور در پروژه‌های اقتصادی و شبکه‌های حرفه‌ای، و نیز بر ارتباط با نسل‌های جدید چینی تبار تأکید شده است. نتیجه این روند آن است که ارتباطات دیاسپورایی از سطح روابط پراکنده فردی فراتر رفته و به مسیرهای شناخته‌شده مشورتی راه پیدا می‌کند؛ مسیری که از دل آن، پیشنهادهای سیاستی و جهت‌گیری‌های کلان شکل می‌گیرد.

۵- فدراسیون سراسری چینی‌های بازگشته از خارج (ACFROC)

فدراسیون سراسری چینی‌های بازگشته از خارج (ACFROC) یک نهاد متمایز است. نه دستگاه اجرایی دولت

به معنای کلاسیک، نه نهاد تقنینی و نه صرفاً یک سازوکار مشورتی؛ بلکه «سازمان مردمی» ای است که مأموریتش پیوند دادن لایه اجتماعی دیاسپورا با ساختار رسمی حزب—دولت است. این فدراسیون خود را پل ارتباطی میان حکومت و جامعه بازگشتگان و خانواده‌های وابسته معرفی می‌کند و از همین زاویه عمل می‌کند: شبکه‌سازی اجتماعی، نمایندگی منافع، و تبدیل رابطه با چینی‌های خارج از کشور به یک رابطه ماندگار و نهادمند. ترکیب مدیریتی آن نیز همین منطق را بازتاب می‌دهد. رئیس آن، «لین جون»، بازگشته‌ای از اندونزی است و بخش عمده‌ای از نایب‌رئیسان و دبیران آن یا بازگشته‌اند یا از خانواده‌های وابسته‌اند؛ با تمرکز بیشتر بر جنوب شرق آسیا و ایالات متحده.

توان اصلی ACFROC در «گستره سازمانی» و «امتداد محلی» آن است. این نهاد در همه استان‌ها، مناطق خودمختار و شهرداری‌ها شعبه دارد و شبکه‌اش تا سطوح خرد محلی—حتی روستا و محله—هم امتداد می‌یابد. از این رو، کارش صرفاً ارتباط‌گیری نمادین با دیاسپورا نیست؛ بلکه مدیریت یک رابطه روزمره و اجتماعی با بازگشتگان، خانواده‌ها و شبکه‌های مرتبط را دنبال می‌کند: از شناسایی مسائل و مطالبات گرفته تا کمک به تدوین سیاست و نظارت بر اجرای آن. ACFROC برای این کار، بازوهای فرهنگی و دانشی خاصی هم ساخته است. این نهاد همچنین انتشارات اختصاصی خود را با عنوان «چینی‌های خارج از کشور» دارد که مأموریت آن تولید و انتشار محتوای مرتبط با تقویت پیوندها و همکاری با دیاسپورا است. یکی از محصولات اخیر این مجموعه، مجله‌ای با عنوان «قدرت دیاسپورا» است که به صورت کاربردی به موضوعات مورد نیاز چینی‌های مقیم خارج می‌پردازد. برای نمونه، در یکی از شماره‌های آن مطلبی مفصل به آموزش راه‌اندازی کسب‌وکار آنلاین اختصاص یافته و گام‌های عملی این مسیر برای مخاطبان تشریح شده است.

یکی دیگر از ابتکارهای شاخص این نهاد، تأسیس موزه‌ای تخصصی درباره چینی‌های خارج از کشور است؛ موزه‌ای که با هدف ثبت تاریخ مهاجرت چینی‌ها، روایت تجربه‌های زیسته آنان و معرفی آثار و دستاوردهایشان شکل گرفته است.

این مجموعه‌ها به فدراسیون امکان می‌دهند هم «روایت» بسازد، هم «حافظه نهادی» تولید کند، و هم ارتباط بیرونی را از مسیر فرهنگ و دانش تقویت کند.

در سطح کارکرد، ACFROC نقش دیاسپورا را تنها به «سرمایه مالی» تقلیل نمی‌دهد و بر پیوند میان اقتصاد، دانش و شبکه‌های انسانی تکیه می‌کند. در ادبیات این نهاد، چینی‌های خارج از کشور علاوه بر سرمایه، حامل مدیریت پیشرفته، ظرفیت‌های فناورانه و تجربه زیست‌بوم‌های های تک‌اند؛ بنابراین یکی دیگر از ابتکارات آن شکل دادن «شبکه‌های استعداد‌های خارج از کشور» برای تسهیل بازگشت و کارآفرینی نوآورانه بوده است. هم‌زمان، فدراسیون در میدان فرهنگی هم فعال است. از برنامه‌های تبادل فرهنگی و اردوهای آموزشی گرفته تا ابتکارهایی مانند «خانواده چین» که با گروه‌های هنری و کنش‌های فرهنگی، دیپلماسی عمومی را پیاده می‌کند. سفر هیئت‌های فدراسیون برای دیدار با انجمن‌های محلی در کشورهای مختلف، دیدارهای سازمان‌یافته با سفرا و کنسول‌ها، و نیز برگزاری نشست‌هایی برای گردهم‌آوردن استعداد‌های علمی و فناورانه، نشان می‌دهد این نهاد چگونه هم‌زمان «دعوت به داخل» و «خروج به خارج» را در قالب یک شبکه اجتماعی—سازمانی پیش می‌برد.

نمونه ویژه: انجمن پژوهشگران بازگشته از غرب

انجمن پژوهشگران بازگشته از غرب (WRSA) نهادی است که قشر تحصیل‌کردگان خارج از کشور را در یک چارچوب سازمان‌یافته گرد هم می‌آورد و پیوند میان این شبکه تخصصی و ساختار رسمی کشور را برقرار می‌کند. این انجمن در دوره جدید فعالیت خود به‌عنوان بستری برای ارتباط، همفکری و همکاری میان نخبگان تحصیل‌کرده خارج و نهاد‌های داخلی عمل می‌کند. اعضا و شبکه‌های وابسته آن طیفی از استادان دانشگاه، پژوهشگران، مدیران فناورانه و کارآفرینان را در بر می‌گیرند؛ افرادی که تجربه زیست علمی و حرفه‌ای در خارج از کشور دارند و از این منظر می‌توانند نقش واسطه میان زیست‌بوم‌های علمی و نوآورانه جهانی و فضای داخلی را ایفا کنند.

کارکرد اصلی WRSA در سازمان‌دهی این سرمایه انسانی و تبدیل آن به یک ظرفیت قابل استفاده در مسیرهای توسعه‌ای دیده می‌شود. این انجمن از طریق نشست‌ها، انجمن‌های تخصصی، برنامه‌های ارتباطی و سازوکارهای مشورتی، زمینه را برای انتقال تجربه‌های حرفه‌ای، شکل‌گیری شبکه‌های همکاری و مشارکت در طرح‌های علمی و فناورانه فراهم می‌کند. در این چارچوب، تحصیل‌کردگان خارج صرفاً به‌عنوان

افرادی با پیشینه آموزشی متفاوت دیده نمی‌شوند، بلکه به عنوان یک شبکه دانشی و حرفه‌ای سازمان یافته در نظر گرفته می‌شوند که می‌تواند در ارتقای مدیریت، نوآوری و پیوندهای بین‌المللی نقش آفرینی کند.



چهار اچار چوب کلی سیاست د یاسپورایی چین؛ دعوت به بازگشت و تشویق به مهاجرت

سیاست دیاسپورایی چین را نمی توان صرفاً در قالب «مدیریت مهاجران» فهمید؛ سیاست دیاسپورایی چین در عمل بخشی از راهبرد کلان ارتقای ساختار تولید، عبور از اقتصاد کم ارزش به اقتصاد دانش بنیان و ادغام فعال در شبکه های جهانی فناوری است. در این نگاه، دیاسپورانه یک جمعیت پراکنده، بلکه زیرساخت انسانی اتصال چین به زیست بوم جهانی نوآوری محسوب می شود. بسیاری از چینی های خارج از کشور در مراکز اصلی علم، فناوری پیشرفته، سرمایه گذاری، شرکت های های تک و شبکه های تحقیق و توسعه در آمریکا، ژاپن، اروپا و شرق آسیا حضور دارند؛ بنابراین سیاست دیاسپورا در چین عملاً به ابزاری برای

دسترسی غیرمستقیم به جریان‌های جهانی دانش، فناوری و کارآفرینی نوآورانه بدل شده است. اجرای این سیاست بر یک منطق دووجهی استوار است: وجه نخست، «دعوت به بازگشت» است: جذب استعدادهای علمی، کارآفرینان فناوری، سرمایه‌گذاران های تک و شبکه‌های تخصصی به درون چین، از طریق پارک‌های فناوری، مراکز تحقیق و توسعه، مناطق نوآوری، و طرح‌های جذب نخبگان.

وجه دوم، «تشویق به مهاجرت» است: یعنی استفاده از همان دیاسپورا برای گسترش حضور شرکت‌ها، مؤسسات پژوهشی و بازیگران اقتصادی چین در محیط‌های پیشرفته جهانی، شکل‌دهی همکاری‌های فناوریانه، و پیوند خوردن با زنجیره‌های ارزش دانش بنیان.

در نتیجه، سیاست دیاسپورانه صرفاً سیاست بازگشت، بلکه سیاست چرخش دوطرفه دانش، فناوری، سرمایه و شبکه‌های نوآوری میان چین و جهان است — سازوکاری که به چین امکان می‌دهد حتی بدون جابه‌جایی دائمی جمعیت، در مدارهای اصلی اقتصاد دیجیتال و فناوری پیشرفته حضور فعال داشته باشد.



پنج | روند نگار تاریخی سیاست‌های دیاسپورایی چین

۱- فاز اول | اقتصادسازی با تکیه بر امکانات مالی و شبکه‌ای دیاسپورا | از ۱۹۷۸ تا اواخر دهه ۱۹۸۰

در نخستین سال‌های اصلاحات، سیاست دیاسپورایی چین عملاً امتداد سیاست «درهای باز» بود. مسئله اصلی اقتصاد چین در آن دوران، راه‌اندازی موتور رشد اقتصادی در شرایط کمبود سرمایه، فناوری و تجربه مدیریتی بود. در این مرحله، دیاسپورا پیش از هر چیز به عنوان پلی برای ورود سرمایه، شبکه‌های تجاری و تجربه کسب‌وکار دیده می‌شد. دولت در ابتدا مناطقی را به عنوان منطقه ویژه اقتصادی اعلام کرد که در آن‌ها مقررات سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی، مالکیت و مدیریت بنگاه‌ها انعطاف‌پذیرتر شد،

مشوق‌های مالیاتی و گمرکی برقرار گردید، و امکان فعالیت شرکت‌های خارجی و مشترک فراهم آمد. انتخاب محل استقرار «مناطق ویژه اقتصادی» نیز تصادفی نبود. استان‌هایی مانند گوانگ‌دونگ و فوجیان که به عنوان مناطق آزاد تجاری معرفی شدند، استان‌هایی که مهاجرت در آن‌ها سابقه طولانی‌تری داشت و ساکنان از پیش با شبکه‌ای گسترده از بازرگانان و خانواده‌های چینی مقیم خارج پیوند داشتند؛ بنابراین تعریف آن‌ها به عنوان منطقه آزاد اقتصادی باعث شد سرمایه، اطلاعات بازار و ارتباطات تجاری برون مرزی به‌طور طبیعی و کم‌هزینه به مسیر توسعه داخلی متصل شود.

در این فاز، منطق سیاستی روشن بود: استفاده از پیوندهای خویشاوندی، محلی و تجاری دیاسپورا برای کاهش ریسک سرمایه‌گذاری و تسریع صنعتی شدن. به بیان دیگر، دیاسپورا در این دوره بیش از هر چیز یک «منبع اقتصادی بیرونی» تلقی می‌شد که باید به مدار توسعه داخلی وصل شود.

۲- فاز دوم | چرخش به سمت «مهاجرت دو سویه» و مدیریت منعطف رفت و آمد | دهه ۱۹۹۰

از دهه ۱۹۹۰، سیاست دیاسپورا از تمرکز صرف بر بازگشتگان قدیمی و خانواده‌های وابسته، به سمت نسل تازه‌ای از چینی‌های خارج، یعنی «مهاجران جدید» چرخش کرد. این تغییر نشان‌دهنده درکی تازه از ماهیت جابه‌جایی انسانی در عصر جهانی شدن بود. دولت به این نتیجه رسید که در جهان جدید، مهاجرت نه تنها یک تهدید نیست، حتی یک فرصت است، بنابراین ایجاد زمینه برای مهاجرت کردن نسل پیش‌رو در چین به یکی از برنامه‌های دولت تبدیل شد. سیاست «دوازده واژه» در ۱۹۹۳ این چرخش را صورت‌بندی کرد: «حمایت از تحصیل در خارج، تشویق به بازگشت و در عین حال حفظ آزادی رفت و آمد».

در این مدل برنامه‌های مهاجرفرستی مکمل برنامه‌های حمایت از بازگشت شدند. برنامه‌هایی مانند «دانشمندان چانگ‌جیانگ» و «صد استعداد» با ارائه مزایای مالی و پژوهشی، تلاش کردند مسیر بازگشت یا همکاری علمی با داخل را جذاب کنند. اما نقطه مهم‌تر، تغییر در ادبیات و رویکرد رسمی دولت بود: شعار «بازگشت برای خدمت به کشور» جای خود را به «خدمت به کشور» داد. این تغییر ظاهراً کوچک، در عمل به معنای پذیرش این واقعیت بود که مشارکت در توسعه چین می‌تواند از بیرون مرزها نیز صورت گیرد؛ از

طریق انتقال دانش، شبکه، پروژه و سرمایه، بدون لزوم بازگشت فیزیکی. محور بعدی تحول در این دوره، آزادی رفت و آمد و تسهیل آن برای بازیگران موثر بود. آن‌ها از دو استعاره جالب برای اشاره به تفاوت مدل جدید با مدل قدیمی بهره می‌بردند. آن‌ها مهاجران را به دو دسته تقسیم کردند: لاک‌پشت‌های دریایی و مرغان دریایی. لاک‌پشت دریایی که برای تخم‌گذاری به ساحل زادگاهش باز می‌گردد استعاره‌ای است از مهاجرانی که به خارج از کشور رفته و پس از تحصیل و کسب تجربه، به وطن بازگشته‌اند؛ مرغان دریایی اما مهاجرانی هستند که آزادانه میان ساحل‌ها حرکت می‌کنند و این استعاره‌ای است از مهاجرانی که بین چین و سایر کشورها در رفت و آمد دارند.

۳- فاز سوم | گذار به اقتصاد دانش بنیان و اتصال زیست بوم نوآوری چین به زیست بوم جهانی از ۲۰۰۰ به بعد

با آغاز قرن ۲۱ و رشد پرشتاب فناوری، توسعه معنا و مختصات جدیدی پیدا کرد. دیگر صرفاً جذب سرمایه یا گسترش ظرفیت تولید برای داشتن یک اقتصاد پویا و رو به جلو کافی نبود. آنچه لازم بود معنای ورود به زنجیره‌های ارزش فناوری پیشرفته، تحقیق و توسعه و نوآوری بود. در این چارچوب، پارک‌های صنعتی های‌تک، زیرساخت‌های STEM و مراکز R&D ایجاد شدند تا نسل جدید دیاسپورا - به‌ویژه کسانی که در آمریکا، ژاپن و دیگر کشورهای پیشرفته در محیط‌های علمی و فناورانه فعال بودند - به همکاری با داخل ترغیب شوند.



شش | تایم لاین تحولات سیاستی

با مطالعه اسناد و قوانین مصوب و سیاست‌های اتخاذ شده، می‌توان یک تایم لاین سیاستی ترسیم کرد که رشد و روزآمدی سیاست‌گذاری نیروی انسانی در چین را به خوبی نشان می‌دهد.

مارس ۱۹۸۹ | وزارت نیروی انسانی و کمیسیون آموزش دولت

ایجاد مراکز متعدد پسادکتری برای جذب دارندگان دکتری مقیم خارج جهت بازگشت و اشتغال در موقعیت‌های پسادکتری در داخل کشور.

نوامبر ۱۹۸۹ | وزارت نیروی انسانی

اعطای فرصت‌های ترجیحی شغلی به بازگشت‌کنندگان جوان و دانش‌گاہیان جوان در مؤسسات پژوهشی علمی‌فناورانه و شرکت‌های

دولتی متوسط و بزرگ.

۱۹۹۰| کمیسیون آموزش دولتی

تأسیس صندوق‌های پژوهشی برای تأمین مالی حدود ۱۰۰۰ بازگشت‌کننده از خارج در هر سال.

مارس ۱۹۹۲| وزارت نیروی انسانی

ایجاد مراکز معرفی شغل برای دانشجویان بازگشته درشنژن، شانگهای و فوجیان؛
اعطای سیاست‌های ترجیحی (به‌ویژه شرایط بهتر زندگی و کار)؛ کمک به تأسیس انجمن ملی دانشجویان
بازگشته؛ و افزایش حمایت از پژوهش‌های علمی.

اوت ۱۹۹۲| وزارت نیروی انسانی و کمیسیون آموزش دولتی (سند ۱۶)

تلاش مجدد برای جذب دارندگان ممتاز دکتری خارج از کشور جهت بازگشت به موقعیت‌های پسادکتری.

اوت ۱۹۹۲| شورای دولتی (سند ۴۴)

بر اساس سخنرانی ژانویه ۱۹۹۲ دنگ شیائوپینگ: اعلام آمادگی حزب کمونیست برای بخشش
بازگشت‌کنندگانی که در خارج کشور رویدادهای ۴ ژوئن رانقد کرده بودند، مشروط به پرهیز از فعالیت
سیاسی مخرب در آینده.

ژوئن ۱۹۹۳| وزارت نیروی انسانی، امنیت عمومی و بازرگانی

بخشنامه مشترک درباره اشتغال بازگشت‌کنندگان اگر دانشجویان بخواهند محل کار خود را تغییر دهند،
دستگاه‌ها باید همکاری کنند. بازگشت‌کنندگان می‌توانند در همه بخش‌های اقتصاد کار کنند یا شرکت
تأسیس کنند.

نوامبر ۱۹۹۳ | کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

اعلام شعار دوازده‌هواژه: «حمایت از تحصیل در خارج، تشویق به بازگشت، و اعطای آزادی رفت و آمد»

۱۹۹۴ | آکادمی علوم چین

ایجاد «برنامه صد استعداد» برای جذب ۱۰۰ دانشمند برجسته جوان چینی خارج از کشور تا پیش از ۱۹۹۹.

سپتامبر ۱۹۹۵ | وزارت نیروی انسانی

تأمین مالی پژوهش‌های علمی برای بازگشت‌کنندگان برجسته خارج از کشور.

۱۹۹۶ | وزارت آموزش

اجرای «طرح نور بهاری» برای حمایت مالی از بازگشت‌های کوتاه‌مدت.

۱۹۹۸ | آکادمی علوم چین

گسترش برنامه «صد استعداد»؛ جذب سالانه ۱۰۰ دانشمند برجسته به مدت سه سال.

۱۹۹۸ | وزارت آموزش

گسترش طرح «نور بهاری».

مه ۱۹۹۸ | رئیس‌جمهور جیانگ زمین و وزارت آموزش

در چارچوب «طرح ۹۸۵» برای ایجاد دانشگاه‌های طراز جهانی، دولت مرکزی میلیاردها یوان در ۹ دانشگاه سرمایه‌گذاری کرد؛ ۲۰٪ این بودجه برای جذب پژوهشگران خارج‌نشین اختصاص یافت.

اوت ۱۹۹۸ | وزارت آموزش

برنامه «دانشمندان چانگ جیانگ» منابع مالی برای بازگشت یک ساله دانشمندان برجسته خارج نشین در حوزه های راهبردی فراهم می کند.

ژانویه ۲۰۰۱ | وزارت نیروی انسانی

مقررات جدید درباره «انکوباتورها» در مناطق فناوری پیشرفته برای بازگشت کنندگان.

مه ۲۰۰۱ | وزارتخانه های آموزش، علوم و فناوری، نیروی انسانی، دارایی و امنیت عمومی (سند ۴۹)

سیاست «خدمت به کشور بدون بازگشت دائمی»؛ تشویق چینی های مقیم خارج به مشارکت در هفت نوع فعالیت مفید برای کشور.

مارس ۲۰۰۲ | ادارات امنیت عمومی، وزارت خارجه، آموزش، نیروی انسانی، کار، تجارت خارجی، دفتر امور چینیان

خارج نشین

تسهیل ورود و خروج نخبگان و سرمایه گذاران دارای تابعیت خارجی.

اوت ۲۰۰۲ | وزارت نیروی انسانی

ایجاد پارک های فناوری برای بازگشت کنندگان با همکاری دولت های محلی.

مارس ۲۰۰۵ | وزارتخانه های آموزش، علوم و فناوری، نیروی انسانی و دارایی

تعریف «نخبگان برجسته خارج از کشور» برای هدف گیری سیاست های آینده.

نوامبر ۲۰۰۶ | وزارت نیروی انسانی

گنجاندن سیاست‌های بازگشت‌کنندگان در برنامه پنج‌ساله یازدهم.

فوریه ۲۰۰۷ | مجموعه‌ای از وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی

ایجاد «مسیر سبز» برای جذب نخبگان برجسته خارج از کشور؛ بهبود شرایط داخلی برای بازگشت؛ تسهیل ورود چینیان خارج‌نشین.

۲۰۰۸ | دپارتمان سازمان‌دهی کمیته مرکزی حزب کمونیست

آغاز «برنامه هزار استعداد»، پروژه دولت برای جذب مستقیم نخبگان طراز اول، دانشمندان برجسته و کارآفرینان حوزه فناوری‌های پیشرفته از خارج از کشور با ارائه مشوق‌های کلان مالی و تجهیزاتی.

۲۰۱۲ | کنفرانس هجدهم حزب کمونیست چین

تأکید بر نقش کلیدی استعدادهای خارج از کشور در راهبرد «نوآوری ملی»؛ پیوند خوردن رسمی سیاست بازگشت نخبگان فناوری به چشم‌انداز کلان «رستاخیز بزرگ ملت چین»

می ۲۰۱۵ | شورای دولتی

تصویب سند راهبردی «ساخت چین ۲۰۲۵»؛ در این سند، دیاسپورای فناوری به عنوان اهرم اصلی برای پر کردن شکاف‌های دانشی و بومی‌سازی در صنایع گلوگاهی مانند نیمه‌هادی‌ها، هوافضا و هوش مصنوعی تعریف شد.

مارس ۲۰۱۸ | کمیته مرکزی حزب کمونیست چین

ادغام دفتر «امور چینی‌های خارج از کشور» در «اداره کار جبهه متحد»، این تغییر ساختاری مهم، دیپلماسی نخبگان و امور دیاسپورا را از یک نهاد اداری به بالاترین سطح هماهنگی سیاسی و امنیتی در حزب ارتقا داد.

۲۰۱۸ تا ۲۰۱۹ | نهادهای دولتی، استانی و دانشگاهی

آغاز استراتژی شبکه‌سازی خاموش؛ در پی آغاز فشارهای آمریکا. اجرای طرح‌های محدودکننده، چین تبلیغات رسمی برنامه‌های ملی جذب نخبگان را متوقف کرد. این طرح‌ها با تغییر نام، به برنامه‌های غیرمتمرکز، استانی

و یا با محوریت دانشگاه‌ها و شرکت‌ها تغییر شکل دادند.

۲۰۲۰ | شورای دولتی و کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی

معرفی راهبرد اقتصاد «چرخه دوگانه» و تعریف نقش جدید برای دیاسپورای فناوری:

۱- کمک به تاب‌آوری فناوری در داخل (چرخه داخلی)

۲- همزمان حفظ ارتباطات حیاتی با منابع نوآوری در جهان (چرخه بیرونی) بدون اصرار بر بازگشت فیزیکی.

سپتامبر ۲۰۲۱ | کنفرانس مرکزی کار با استعدادها

اعلام رسمی تغییر جغرافیای جذب نوآوری؛ پکن، شانگهای و منطقه خلیج بزرگ به عنوان «مراکز جهانی استعداد و نوآوری» مأمور شدند تا به صورت ویژه به لنگرگاه استقرار و سرمایه‌گذاری برای دیاسپورای فناوری بدل شوند.

۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ | وزارت علوم و غول‌های فناوری

راه‌اندازی طرح‌های جذب جایگزین مانند برنامه Qiming؛ گذار از جذب نخبگان به صورت فردی به جذب «تیم‌های کامل تحقیق و توسعه» و استفاده از ظرفیت آزمایشگاه‌های برون‌مرزی شرکت‌های بزرگ فناوری نظیر علی‌بابا، تنسنت و هواوی برای به‌کارگیری متخصصان در محیط‌های خنثی مانند سنگاپور و اروپا.

۲۰۲۵ - ۲۰۲۶ | نهادهای محلی و پارک‌های فناوری پیشرفته

نهادهای سازگی کامل «گردش نخبگان مجازی» (Cloud Diaspora)؛ توسعه ایستگاه‌های کاری فراسوی مرزها که به دیاسپورای فناوری اجازه می‌دهد بدون ترک کشورهای میزبان، به‌طور رسمی و امن در پروژه‌های راهبردی چین مانند تراشه‌ها، محاسبات کوانتومی و هوش مصنوعی مشارکت کنند.



هفت | دیاسپورای فناوری؛ کانون سیاست‌های دیاسپورایی

چنانچه آمد، دولت چین از سال ۲۰۰۰ به بعد با تمرکز بر جذب نخبگان و متخصصان های تک بر آن شد تا چین را از یک یک اقتصاد با توانایی خلق ارزش متداول به اقتصادی با توانایی خلق ارزش بالا تبدیل کند. لازمه رسیدن به این هدف، در اختیار داشتن متخصصان و نخبگان و فناوریانی بود که بتوانند بار سنگین دانش بنیان کردن اقتصاد را به دوش بکشند.

به منظور به کارگیری ظرفیت دیاسپورا در خدمت توسعه اقتصاد دانش بنیان، مجموعه سیاست‌های زیر در دو دهه گذشته توسط دولت چین به کار گرفته شده اند.

۱- سیاست «جذب سرمایه، استعداد و فناوری به صورت متعادل»

در منظومه سیاستی دولت چین، جذب متعادل سه گانه «سرمایه، استعداد و فناوری» موسوم به «سه واردات» به خوبی دیده می‌شود. از نگاه سیاست‌گذاران چینی جذب هر ضلع از این مثلث منهای سایر اضلاع، نتیجه مطلوب را به دنبال نخواهد داشت. برای آنکه از ظرفیت دیاسپورای فناوری به خوبی بهره‌برداری شود، باید به دنبال به کارگیری هر سه عنصر با هم به صورت ترکیبی بود.

۲- سیاست «استخدام انعطاف‌پذیر»

در چارچوب این دستورکار دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی چین محدودیت‌های استخدام تمام‌وقت را کنار گذاشتند و امکان همکاری قراردادی، پروژه‌ای و مشاوره‌ای و پاره‌وقت را برای نخبگانی که مایل به ترک موقعیت اصلی خود در خارج از کشور نبودند، فراهم ساختند.

۳- سیاست «تاسیس مراکز تحقیق و توسعه برون‌مرزی»

شرکت‌های بزرگ چینی وقتی دیدند نمی‌توانند نخبگان را به بازگشت به چین متقاعد کنند، مراکز تحقیق و توسعه خود را به کشورهای محل استقرار دیاسپورای خود بردند. آزمایشگاه هوش مصنوعی شرکت بایو مستقر در سیلیکون ولی، مرکز تحقیقات هواوی مستقر در مونیخ و مراکز تحقیقاتی شرکت علی‌بابا در کالیفرنیا، تل‌آویو، سنگاپور و مسکو همگی در چارچوب این برنامه ایجاد شده‌اند.

۴- سیاست «خرید شرکت‌های استراتژیک»

شرکت‌های بزرگ چینی در سراسر جهان با پایش اکوسیستم‌های نوآوری، تیم‌ها، ایده‌ها و استارت‌آپ‌های مستعد را زمانی که ارزان هستند خریداری می‌کنند و به متخصصان چینی مهاجرت کرده به آن کشور را در آن شرکت‌ها به استخدام می‌گیرند. نمونه بارز آن خرید شرکت سوئدی silix microsystems توسط پارک فناوری پکن خریداری شده و متخصصان چینی ساکن سوئد در آن به کار گرفته شدند.

۵- سیاست «صندوق‌های هدایت دولتی به جای صندوق‌های خطرپذیر»

صندوق‌های هدایت دولتی صندوق‌هایی است که سرمایه بخش خصوصی و عمومی را ترکیب می‌کند و

در اختیار تیم‌های فناورانه قرار می‌دهد. این صندوق‌ها اصطلاحاً سرمایه‌ی صبور نامیده می‌شوند، برخلاف صندوق‌های VC که سودمحور هستند، سعی در حمایت از استارت‌آپ‌های کوچک و متوسط دارند. تا پایان ۲۰۲۴ بیش از ۱۷۴۰ صندوق هدایت دولتی در چین شناسایی شده که حجم آن حدود ۶۷۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود. برنامه‌ریزی چین آن است که حجم سرمایه این صندوق‌ها تا پایان ۲۰۳۰ به ۱۵۰۰ میلیارد دلار برسد.

۶- سیاست «جلوگیری از سرمایه‌گذاری آمریکا در شرکت‌های چینی»

همگام با تزریق سرمایه چینی، دولت چین تدابیر سخت‌گیرانه‌ای برای جلوگیری از تسلط سرمایه غربی بر دستاوردهای نخبگان خود اعمال می‌کند. در پی افزایش تنش‌های تجاری و فناوری میان واشنگتن و پکن، کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات چین با ابلاغ دستورالعمل‌های محرمانه به استارت‌آپ‌های پیشروی هوش مصنوعی چین، آن‌ها را از پذیرش سرمایه‌های آمریکایی بدون تایید قبلی دولت منع کرده است. به عنوان نمونه در پی این مصوبه شرکت متا (Meta) مجبور به لغو قرارداد ۲ میلیارد دلاری خرید شرکت "Manus" شد. استارت‌آپی که در سنگاپور مستقر است و توسط دیاسپورای چینی تأسیس شده بود. استارت‌آپ‌های دیگری نظیر Moonshot AI و StepFun نیز دستورالعمل‌های مشابهی مبنی بر رد منابع مالی با منشأ ایالات متحده دریافت کرده‌اند.



هشت | طرح هزار استعداد

تغییر پارادایم توسعه چین از مدل مبتنی بر کالای ارزان به اقتصاد دانش بنیان، نیازمند یک شتاب فناورانه بود. به همین منظور رهبری حزب کمونیست در سال ۲۰۰۷ راهبرد «چین؛ ابرقدرت استعدادها» را تصویب کرد. خروجی عملیاتی آن در سال ۲۰۰۸ تحت عنوان طرح «هزار استعداد» رونمایی شد. دپارتمان سازماندهی کمیته مرکزی حزب، هدایت این طرح را با یک هدف مشخص برعهده گرفت: شکار مغزهای مستقر در لبه‌های تکنولوژی غرب، نه صرفاً برای بازگشت فیزیکی، بلکه برای انتقال مالکیت فکری و میان‌بر زدن دهه‌ها زمان و هزینه در فاز تحقیق و توسعه.

طرح هزار استعداد بر خلاف رویکردهای کلاسیک دیاسپورایی که عموماً بر احساسات ناسیونالیستی

تکیه دارند، بر یک سیستم تشویقی به شدت پراگماتیک و تهاجمی بنا شد. پکن بسته‌های پیشنهادی خیره‌کننده‌ای شامل پاداش‌های ورود یک میلیون یوانی معادل ۱۵۰ هزار دلار صرفاً برای امضای قرارداد، بودجه‌های تحقیقاتی چند میلیون دلاری، تضمین مسکن و مهم‌تر از همه، تخصیص آزمایشگاه‌هایی دقیقاً مشابه با نمونه‌های غربی ارائه کرد. یکی از کلیدی‌ترین تکنیک‌های سیاستی در این طرح، تمرکز بر انعطاف‌پذیری و ایجاد مدل قراردادهای پاره‌وقت بود. دانشمندان دیاسپورا الزامی به استعفا از موقعیت‌های تثبیت‌شده خود در دانشگاه‌های ترز اول آمریکا یا اروپا نداشتند؛ آن‌ها می‌توانستند به صورت پروژه‌ای و بدون قطع ارتباط با شبکه‌های علمی غرب، دانش انباشته را به شرکت‌های چینی برسانند.

دستاوردها

داده‌های مستند نشان می‌دهد که پکن تا پیش از سال ۲۰۱۸، بیش از هفت هزار پژوهشگر ارشد، مهندس و کارآفرین را که عمدتاً در حوزه‌های هوا فضا، هوش مصنوعی، فناوری‌های زیستی، محاسبات کوانتومی و نیمه‌هادی‌ها در غرب فعال بودند، جذب کرد. مطالعات علم‌سنجی دانشگاه استنفورد بر روی محققان جذب‌شده در شاخه استعداد‌های جوان این طرح، نشان‌دهنده یک جهش غیرطبیعی در خروجی‌های علمی است: نرخ تولید مقالات با جایگاه نویسنده مسئول برای این افراد پس از پیوستن به طرح، ۱۴۴ درصد افزایش یافته. این آمار نشان می‌دهد که طرح هزار استعداد پژوهشگرانی که در غرب در آزمایشگاه‌های دیگران کار می‌کردند را به مدیران مستقل پروژه‌های استراتژیک در چین تبدیل کرده است.

برنامه هزار استعداد، تهدید علیه امنیت ملی آمریکا

بالاترین نشانه موفقیت این معماری دیاسپورایی، واکنش رادیکال و سراسیمه نهادهای امنیتی ایالات متحده بود. واشنگتن متوجه شد که طرح هزار استعداد عملاً به یک خط لوله پایدار برای خروج فناوری‌هایی تبدیل شده که بودجه اولیه تحقیق آن‌ها توسط نهادهای فدرال آمریکا (مانند بنیاد ملی علوم تامین شده بود. این تهدید سیستماتیک، وزارت دادگستری آمریکا را بر آن داشت تا در سال ۲۰۱۸ «ابتکار چین»^۷ را کلید بزند. اف‌بی‌آی تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کرد که نه تنها به لغو ویزا و اخراج صدها پژوهشگر چینی تبار

انجامید، بلکه چهره‌های شاخص غیرچینی مانند «چارلز لیبر»، رئیس بخش شیمی دانشگاه هاروارد را نیز به دلیل پنهان‌کاری در دریافت ماهانه ۵۰ هزار دلار حقوق و بودجه‌های کلان از دانشگاه ووهان چین، به دادگاه کشاند و محکوم کرد. این برخورد قهری نشان داد که تورنخبگانی چین تا عمیق‌ترین لایه‌های آکادمیک و بودجه‌ای غرب نفوذ کرده است.

پایان رسمی برنامه و شروع استراتژی جدید

طرح هزار استعداد به علت حساسیت بالای دولت ایالات متحده متوقف شد. دولت چین در یک اقدام هماهنگ، تمامی اسناد، بخشنامه‌ها و فهرست اسامی مرتبط با این طرح را از وبسایت‌های دولتی پاک کرد. استراتژی جذب نخبگان از فاز «متمرکز و آشکار» به فاز «غیرمتمرکز، پنهان و استتار شده» وارد شد. امروزه، این ماموریت از دیپارتمان مرکزی به دولت‌های محلی، شهرداری‌ها، نهادهای پوششی و وزارت صنعت و فناوری اطلاعات چین واگذار شده است. طرح‌های جایگزین با چراغ خاموش و تحت عناوین جدیدی مانند برنامه «سپیده‌دم»^۸ به کار خود ادامه می‌دهند. ویژگی بارز مدل فعلی، استفاده از شبکه‌های غیررسمی، پلتفرم‌های واسط و هدیه‌انترها^۹ برای مذاکرات محرمانه است. به جای انتشار فراخوان‌های عمومی، پیشنهاد‌های مالی از طریق مجاری غیررسمی ارائه می‌شود تا حساسیت سیستم‌های نظارتی غرب برانگیخته نشود. علاوه بر این، پکن با تقویت مراکز نوآوری برون مرزی و تاسیس هاب‌های پژوهشی اقماری در کشورهای ثالث، تلاش می‌کند ظرفیت نخبگان دیاسپورا را بدون نیاز به حضور فیزیکی آن‌ها در خاک چین و فارغ از محدودیت‌های ژئوپلیتیکی، در خدمت ماشین توسعه فناوری خود نگه دارد.

۸. Qiming

۹. هدیه‌انترها یا همان شکارکنندگان استعداد، کسانی هستند که افرادی که استعداد به حساب می‌آیند و در مجموعه‌ای مشغول به کارند را شکار کنند.

